

■ زهرا چیذری

«جامعه در حال فروپاشی است»؛ این موضوعی است که دکتر ابراهیم فیاض استاد دانشگاه تهران مطرح می‌کند. به باور وی شکسته شدن مرزهای پیام و اطلاع‌رسانی و سیاست‌گذاری‌های اشتباه دولت در سیاسی کردن مسائل اجتماعی منجر به این فروپاشی خواهد شد. این استاد دانشگاه بر این باور است سیاست‌های نئولیبرالیستی دولت‌غریزه‌گرای را در جامعه حاکم کرده که نتیجه این چنین نگاهی خودمحوری، فردگرایی و در نهایت فروپاشی ساختار خانواده است. اما سیاست‌گذاری‌های نادرست دولت‌ها علاوه بر گسست در خانواده گسست‌های دیگری را هم در جامعه موجب شده است؛ گسست‌هایی که در صورت رها شدن می‌توانند جامعه را با چالش‌های جدی مواجه کنند. آنچه در پی می‌آید حاصل گفت‌وگوی ما با این استاد جامعه‌شناسی است.

■ ■ ■

آقای دکتر از نگاه یک جامعه‌شناس شرابط کنونی جامعه را در سال پایانی دولت یازدهم چگونه تحلیل می‌کنید؟

در شرایطی که رسانه‌ها به شدت در حال فتح جهان هستند، رسانه‌های تصویری موسیقیایی و حتی چند زبانه یا تبدیل رسانه نوشتاری به گفتاری و گفتاری به نوشتاری نشانه‌ای از آن است که همه مرزها برای پیام و اطلاع‌رسانی شکسته شده‌اند. بر همین اساس هم جامعه به شدت بی‌نظم جلو می‌رود. در چنین شرایطی با حالت خاصی مواجه می‌شویم که ما اسم آن را فروپاشی می‌گذاریم. هم‌اکنون رسانه‌های دیجیتال جهان را به طرف فروپاشی کامل و جامع می‌برند که اگر برای این مسئله فکری نشود جامعه با بحران روبه‌رو خواهد شد. در صورت وقوع این فروپاشی چه اتفاقی رخ خواهد داد؟

نخستین عنصری که در این شرایط فروپاشی خواهد کرد بعد سیاست به عنوان محور نخست قدرت است. اگر یک دولت نتواند جامعه خود را دقیق بشناسد و فقط از باب سیاست در جامعه دخالت کند، موجب می‌شود جامعه دچار فروپاشی جدی شود. مصداق این مسئله آن است که ما بخواهیم در بعد فرهنگی فقط کار را با گشت ارشاد پیش ببریم. در قدرت سخت فروپاشی سریع رخ می‌دهد و هم اکنون قدرت نرم است که با ابزار رسانه در جهان کار می‌کند. پس اگر بخواهیم مسائل اجتماعی را در سطح مسائل سیاسی مطرح کنیم و در سطح سیاست حل کنیم همیشه فروپاشی سریع خواهد بود. شاخص بزرگ این موضوع حکومت‌های سوسیالیستی شرقی مانند شوروی است. فروپاشی شوروی فروپاشی از درون بود و کسی به این معنای غربی و نه اسلامی، وقتی همه چیز صبح تیز به شد، چراکه این کشور روی قدرت نظامی و امنیتی به شکلی قوی کار کرده بود اما برای فروپاشی از درون فکری نکرده بود.

چگونه می‌توان از بروز فروپاشی جامعه جلوگیری کرد؟

در حال حاضر عاملی که می‌تواند مانع فروپاشی جامعه شود این است که دولت نه فقط مسائل اجتماعی را تبدیل به مسائل سیاسی نکند، بلکه برای حل مسائل سیاسی آنها را به مسائل اجتماعی تبدیل کند و این نخستین نکته مهمی است که باید در نظر گرفت. اگر بخواهیم از نگاه ایدئولوژی به موضوع نگاه کنیم البته ایدئولوژی به معنای غربی و نه اسلامی، وقتی همه چیز را به عالم سیاست تبدیل کنیم خود به خود با عنایت به کارکردهای رسانه‌های جدید احتمال فروپاشی‌اش به شدت بالاست. این نکته‌ای است که من ندیده‌ام در کشور ما مورد توجه قرار بگیرد.

هم‌اکنون رسانه‌های فعلی فضا را به شدت به فضای عمومی تبدیل کرده‌اند. حتی خبرهای سیاسی و سری دیگر وجود ندارد مردم تبدیل شده‌اند به خبرنگار و این را در حادته پلاسکو به عینه دیدیم که مردم جلوتر از رسانه‌ها حرکت می‌کردند. رسانه‌های فعلی موجب شده‌اند مردم در همه چیز دخالت داده شوند. آنچه در حال حاضر می‌تواند در جامعه قدرت پدید می‌آورد و مانع از فروپاشی جامعه می‌شود بحث دین و ارزش‌های اخلاقی منسحب از دین در جامعه است. کشورهای غربی هم برای جلوگیری از فروپاشی جوامع خود بالا بردن دین عمومی و عرفی اجتماعی در فضای مجازی را آغاز کرده‌اند. در برابر این با حرکت به سمت سکولاریسم و لایسیم یا به عبارت دیگر غریزه‌گرایی و لیبرالیسم شاهد فروپاشی جدی جامعه خواهیم بود.

نقش اعضای جامعه در پیشگیری از این فروپاشی‌ها که شما پیش‌بینی می‌کنید چیست؟

به نظر من در برابر چنین روندی جامعه هوشیار شده و تلاش‌هایی را در برابر فرآیند فروپاشی شاهد هستیم که خود را به شکل شرکت در مراسم‌های عمومی مانند تشییع آیت‌الله‌هاشمی یا حادثه پلاسکو نشان می‌دهد. در مراسم تشییع آقای هاشمی حتی مخالفان وی حضور داشتند تا به این وسیله همبستگی اجتماعی خود را اعلام کنند و کسبی ننواند سوءاستفاده کند. در ماجرای پلاسکو هم دقیقاً شاهد شکل‌گیری همین همبستگی اجتماعی بودیم. حتی افرادی که تلاش می‌کردند در حوزه عملکردی شهرداری حواشی سیاسی ایجاد کنند خودشان ورشکسته خواهند شد چون مردم با این حواشی کاری نداشتند. راهیمیایی ۲۲ بهمن هم مصداق دیگری از حضور همه اقشار برای بیان همبستگی اجتماعی بود و جامعه به شکلی هوشمند در تلاش است تا در برابر فروپاشی یک نوع ساختار ایجاد کند که این ساختار مانع از فروپاشی شود.

به نقش دولت‌ها در شکل‌گیری این فروپاشی اشاره داشتید. حالا دولت برای جلوگیری از این فروپاشی باید چه کند؟

اگر دولت همچنان سیاست نئولیبرالیستی را ادامه دهد و عدالت عرفی را در نظر نگیرد غریزه‌گرایی حاکم می‌شود و خود محوری اوج می‌گیرد. در چنین شرایطی جامعه دچار فردگرایی می‌شود و نخستین ماحصل این

گفت‌وگو

گفت‌وگو ۸۸۹۹۴۷۹



زهرا چیذری

ابراهیم فیاض در گفت‌وگو با «جوان»:

گسل‌های جامعه ناشی از سیاست‌های نئولیبرالیستی دولت است

فردگرایی فروپاشی خانواده است. متأسفانه فروپاشی خانواده در ایران شروع شده و ما شاهد افزایش طلاق و کاهش ازدواج و ازدواج‌های دیر هنگام هستیم که موجب نگرانی همه کارشناسان است.

مشکلی که ما داریم این است که همه دولت‌ها بعد از جنگ، لیبرالی بوده‌اند و دولت میرحسین موسوی در دوران جنگ هم سوسیالیستی بود. بدین معنا که هیچ‌گاه دولتی در تراز انقلاب نداشتیم. دولت فعلی هم که از همان ابتدا وارد بحث‌های لیبرالیستی شد و اصلاً بحث‌های عدالت را مطرح نکرد. با نگاه لیبرالیستی غریزه‌گرایی حاکم می‌شود و در چنین شرایطی ما هیچ فراساختاری نخواهیم داشت. مشکل امروز جامعه ما هم از بین رفتن فراساختارهاست و در جامعه تنها ساختارها را داریم. وجود ساختار به تنهایی به شدت ایجاد تضاد اجتماعی می‌کند اما فراساختارها موجب می‌شوند تا تضادهای اجتماعی به سمت تفاهم پیش بروند.

ما در سال پایانی دولت یازدهم هستیم. دولت بعدی باید چه رویکردی را برای مقابله با این شرایط در نظر بگیرد؟

دولت بعدی باید بتواند عدالت فردی اجتماعی را بر سر کار بیاورد و با ایجاد فراساختارها تضادهای اجتماعی را از بین ببرد. هم‌اکنون جامعه آنقدر دچار مشکلات ساختاری شده که شاهد بروز انواع و اقسام گسل‌ها هستیم. گسل‌های جنسیتی نمونه‌ای از این گسل‌هاست که موجب شده تا زن و مرد یکدیگر را نفهمند و به شدت از هم فاصله بگیرند و تنفر جنسی ایجاد شود. زنان و مردان به شدت نسبت به یکدیگر بدبین شده‌اند. فمینیسم، سسیمیست و تنفر جنسی سیاه‌نگاری‌هایی که در جامعه شاهد آن هستیم هم این تضاد را زیاد می‌کند. همین تضادهای جنسیتی موجب شده تا فروپاشی خانواده بسیار جدی شود.

در برابر این باید تضاد جنسیتی را کم و تفاهم جنسی ایجاد کرد تا زن و مرد یکدیگر را بفهمند و به هم نزدیک شوند تا ازدواج صورت گیرد. اگر تفاهم جنسی را بایستی خواهد داشت.

آیا سیاست‌گذاری‌های دولت یازدهم گسل‌های اجتماعی را تشدید کرده است؟ خیر فقط این دولت نبوده است، دولت احمدی نژاد هم اگر چه عدالت را مطرح کرد اما در عمل به این شعار نرسید. وی نیز در نهایت به لیبرالیسمی رسید که بدتر از همه لیبرالیسم‌ها بود. اما دولت یازدهم از ابتدا به سمت عدالت هم نیامد و سیاست گفت‌وگو با جهان و جهانی شدن را در پیش گرفت.

در دولت یازدهم نیز شاهد آن هستیم که اقتصاد مقاومتی به مفهومی که رهبری مطرح کردند اجزایی

نشد. در حال حاضر در ایران شاهد شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری هستیم بدون اینکه با پول‌های مردم کار کنند و دولت قصد ورود به اقتصاد جهانی را دارد. خریدن هواپیماهای ایرباس و بوئینگ هم در همین راستا بود تا شرکت‌های بین‌المللی مسافربری درست کنند به همین خاطر این دولت به دنبال اقتصاد جهانی و تکنولوژی‌های به شدت برتر جهانی مانند ایرباس‌ها را پیگیری کرد. نگاه دولت یازدهم به غرب و امریکا بود و حتی روابط با کشورهای اسلامی امریکای لاتین را خیلی دیر و در ماه‌های پایانی شروع کرد.

چه گسل‌های دیگری ساختار اجتماعی جامعه را تهدید می‌کند؟

گسل دیگری که در جامعه امروز با آن مواجه هستیم گسل سنی و گسل بین‌نسل‌هاست. نسل‌ها در جامعه امروز به شدت با یکدیگر متفاوت شده‌اند. فاصله بین نسل‌ها ۳۰ ساله است اما تولیدات رسانه‌ای و سیناست‌گذاری‌های دولت موجب شده تا این فاصله به پنج سال کاهش یابد و به گونه‌ای پیش برود که دو برادر با پنج سال فاصله سنی به شدت متفاوتند. این مسئله به شدت خطرناک است و موجب می‌شود تا گسل حافظه‌ای – تاریخی رخ دهد و حافظه تاریخی به نسل آینده نرود. جامعه‌ای که نمی‌تواند گذشته را به آینده برود و آینده را به گذشته برگرداند در فضا معلق می‌شود و با کوچک‌ترین حرکت رسانه‌ای ساختار چنین جامعه‌ای در هم می‌پسجد. هم‌اکنون نیز شاهد هستیم که با کوچک‌ترین حرکت رسانه‌ای در کشور جریان ایجاد می‌شود. البته این نکته را هم باید متذکر شوم که آنچه من می‌بینم قشر جدید به حالت قشر بدبین شده‌اند. فمینیسم، سسیمیست و تنفر جنسی ایجاد شده تا زن و مردان به شدت نسبت به یکدیگر بدبین شده‌اند. فمینیسم، سسیمیست و تنفر جنسی سیاه‌نگاری‌هایی که در جامعه شاهد آن هستیم هم این تضاد را زیاد می‌کند. همین تضادهای جنسیتی موجب شده تا فروپاشی خانواده بسیار جدی شود.

در برابر این باید تضاد جنسیتی را کم و تفاهم جنسی ایجاد کرد تا زن و مرد یکدیگر را بفهمند و به هم نزدیک شوند تا ازدواج صورت گیرد. اگر تفاهم جنسی را بایستی خواهد داشت.

برای دولت آینده باید دید نگاه دولت به قشر جوان و نوجوان است یا پیرمردها. در این دولت پیرمردها به شدت حاکم بودند و برخی افراد ۲۰ مسئولیت داشتند انکار فقط‌الرجال رخ داده است. در حالی که نسل جوان به دنبال هویتش می‌گردد و این می‌تواند پرخطرگری‌های نسل جوان در دانشگاه‌ها می‌توانیم ببینیم و این قصه جدی است.

بحث تمرکزگرایی و فاصله بین پایتخت و سایر شهرهای کشور هم آیا می‌تواند به گسل‌های اجتماعی دامن بزند؟

ببینید گسل قومی گسل دیگری است که ما داریم. جامعه ایرانی در طول تاریخ جامعه‌های متشکل از اقوام

متعدد بوده است و این تنوع نه فقط در مرزهای ایران بلکه در خارج از مرزهای ایران هم بوده است.

اقوام ایرانی در کشورهای متفاوت هنوز هم حضور دارند همچون ازمنستان، آذربایجان، تاجیکستان، افغانستان؛ اینها همه جزو اقوام ایرانی هستند و در طول تاریخ با هم همزیستی داشته‌اند. بنابراین یک چهار سال آینده هم سرکار بیاید و جلو برود با یک خلأ فرهنگی مواجه خواهیم بود و تهاجم و تخریب فرهنگی خواهیم داشت. درست شبیه چیزی که در دولت آقای هاشمی رخ داد. دولت آقای‌هاشمی هم دولتی بالفعل و نگاهش به توسعه و صنعت بود. در نتیجه یک خلأفرهنگی به‌وجود آمد که در نهایت منجر به شکل‌گیری جریان دوم خرداد شد و شاهد تعرض به دین و خدا بودیم. با این خلأ فرهنگی بود که جامعه به اصولگرایی و احمدی‌نژاد روی آورد.

بحث اقتصاد مقاومتی را مطرح کردید و اینکه دولت فعلی به جای پرداختن به اقتصاد مقاومتی بیشتر به دنبال جهانی شدن بود؛ این نگاه اقتصادی چه تأثیری روی جامعه می‌گذارد؟

اولین نتیجه این مسئله این است که دولتی که نگاهش به بیرون باشد غیراجتماعی می‌شود و مشارکت اجتماعی نخواهد داشت و ترجیح ابرانی در خارج از مرزهای فعلی ایران است و بسیاری از دوستداران ما در خارج از مرزهای امروزی کشورمان هستند و همیشه اقوام ایرانی با همدیگر زندگی کرده‌اند.

نمونه ایجاد تضادهای قومیتی را می‌توان در

صحبت‌های مشاور رئیس‌جمهور درباره عراقی‌ها مشاهده کرد که دیدید چقدر در این باره آشوب به پا شد. نمونه چنین اقدام‌هایی نشان می‌دهد در ذهن این افراد باور اشتباهی درباره ساختار جامعه ایران وجود دارد.

در غرب به جز کشور سوئیس بقیه کشورها یک زبانه و خیلی وقت‌ها یک نژادی هستند. اما در ایران ما ۳۰ حوزه فرهنگی داریم. گسل دیگری که بر اثر عملکرد

اشتباه دولت‌ها شاهد بروز آن هستیم گسل پایتخت –ایران دولت – ملت شهر و مردم دارد تشکیل ساختار ایران است. رئیس‌جمهور و همه مقامات در تهران مستقر هستند. سفرهای استانی که از زمان احمدی‌نژاد مرسوم شد موجب شد تا رئیس‌جمهور بیشتر در بین مردم برود اما هم‌اکنون رئیس‌جمهور تا مجبور نشود بین مردم نمی‌رود. فضایی که در تهران وجود دارد به شدت با فضای شهرستان‌ها تفاوت دارد و این موضوع موجب شده تا خیلی چیزها عوض شود. به جای دولت – ملت شهر و مردم دارد تشکیل می‌شود. در حال حاضر استانداردها و شهرداری‌ها به شدت در جهان فعال می‌شوند به همین خاطر هم دیپلماسی شهری بسیار مهم‌تر از دیپلماسی عمومی و همین‌طور دیپلماسی رسمی سیاسی مرکز است.

در این دولت‌ها مرکزگرایی به شدت اوج گرفت. گسل دیگری که با آن مواجه هستیم گسل گذشته، حال و آینده است. این دولت به شدت به حال برگشت است. در حالی که دولت احمدی‌نژاد به شدت سعی کرد تاریخ‌گرایی مذهبی ایجاد کند. دولت یازدهم اما به سمت حال رفت و اینکه باید با جهان تعامل داشته باشیم. در حالی که باید از تاریخ به سمت آینده می‌رفت و فرهنگ بومی ایرانی و فرهنگ تاریخی ایران را فعال کند. دولت یازدهم به شدت حالت تکنولوژیک داشت و دولت فرهنگی نبود از افرادی پشتیبانی کرد که به دنبال این نبودند که تاریخ ایران را برای آینده



د

در دولتی که تنها به حال نگاه کند نوعی واقع‌گرایی افراطی شکل می‌گیرد و آرمانگرایی خود را از دست می‌دهد. در نتیجه شاهد شکل‌گیری یک دولت محافظه‌کار غیر خلاق خواهیم بود و این برای جامعه ایران بسیار خطرناک است. چرا که اگر همین دولت برای چهار سال آینده هم سرکار بیاید و جلو برود با یک خلأ فرهنگی مواجه خواهیم بود و تهاجم و تخریب فرهنگی خواهیم داشت

به کار ببرند و بیشتر به دنبال رشته‌هایی رفتند که مانند جامعه‌شناسی و ارتباطات توسعه به شیوه غربی را بررسی کنند. دولت یازدهم همچنین چندان اعتقادی به فرهنگ عمومی نداشت و همانطور که ملاحظه کردیم شورای عالی فضای مجازی در این دولت خیلی دیر تشکیل شد و مشکل هم زیاد داشت.

در دولتی که تنها به حال نگاه کند نوعی واقع‌گرایی افراطی شکل می‌گیرد و آرمانگرایی خود را از دست می‌دهد. در نتیجه شاهد شکل‌گیری یک دولت محافظه‌کار غیر خلاق خواهیم بود و این برای جامعه ایران بسیار خطرناک است. چرا که اگر همین دولت برای چهار سال آینده هم سرکار بیاید و جلو برود با یک خلأ فرهنگی مواجه خواهیم بود و تهاجم و تخریب فرهنگی خواهیم داشت. درست شبیه چیزی که در دولت آقای هاشمی رخ داد. دولت آقای‌هاشمی هم دولتی بالفعل و نگاهش به توسعه و صنعت بود. در نتیجه یک خلأفرهنگی به‌وجود آمد که در نهایت منجر به شکل‌گیری جریان دوم خرداد شد و شاهد تعرض به دین و خدا بودیم. با این خلأ فرهنگی بود که جامعه به اصولگرایی و احمدی‌نژاد روی آورد.

بحث اقتصاد مقاومتی را مطرح کردید و اینکه دولت فعلی به جای پرداختن به اقتصاد مقاومتی بیشتر به دنبال جهانی شدن بود؛ این نگاه اقتصادی چه تأثیری روی جامعه می‌گذارد؟

اولین نتیجه این مسئله این است که دولتی که نگاهش به بیرون باشد غیراجتماعی می‌شود و مشارکت اجتماعی نخواهد داشت و ترجیح

۹ جوان

کنیم و دیگر موشک و هواپیما نداشته باشیم. اما نگاه به اقتصاد جهانی، مشارکت اجتماعی و اقتصادی مردم را پایین می‌آورد و موجب می‌شود تا نگاه ما به غرب باشد. افزایش دریافت وام‌های خارجی هم یکی از مصادیق این نگاه و رفتار است. در دوران آقای‌هاشمی به شدت وام گرفتن از خارج افزایش یافت. گسترش فقر عمومی و فاصله طبقاتی یکی از نتایج وام گرفتن از کشورهای خارجی است. این وام‌ها موجب می‌شود افراد حاضر در پست‌های حکومتی به شدت رانتخواز شوند و فاصله طبقاتی بین اقشار مختلف جامعه زیاد شود. هم‌اکنون نیز فاصله طبقاتی و فساد مالی در بین اقشار بالای جامعه، فساد اخلاقی و اباحه‌گری در قشر متوسط جامعه و فساد جنسی را در قشر پایین جامعه شاهدیم. در حال حاضر نقدبینگی زیادی در دست مردم قرار دارد و اگر این نقدبینگی وارد عرصه تولید نشود، ما با رشد اقتصادی مواجه خواهیم بود. فقر و شکاف طبقاتی هم کم می‌شود. به همین شکل هم فساد مالی و جنسی کاهش می‌یابد.

برای مقابله با گسست و فساد که در جامعه شکل گرفته است باید چه کنیم تا جامعه‌مان دچار فروپاشی نشود؟

با روی کار آمدن ترامپ، جامعه امریکا که دارای اقتصاد باز بوده با اقتصاد مقاومتی رو آورده است و ترامپ می‌گوید همه کارخانه‌ها و سرما‌ها به داخل بازگردند. تا ۲۰۰ درصد روی کالا‌های اروپایی و چینی تعرفه گذاشته است تا در امریکا اشتغال ایجاد شود و مردم به رفاه برسند. در ایران هم چاره کار همین است. وقتی خودمان کالایی را داریم چرا باید از خارج همان کالا را وارد کنیم؟ به‌طور مثال ما زنی به شدت علاقه‌مند است در حوزه خودروسازی با ایران همکاری کند و حتی تکنولوژی آن را در اختیار ما قرار دهد اما چرا دولت تنها به فکر همکاری با فرانسه، آلمان و حتی امریکاست؟ چرا ماشین یک کشور اسلامی را که مردم هم از آن راضی هستند، وارد نمی‌کنند؟

به نظر شما چرا این کار را نمی‌کنند آقای دکتر؟

به خاطر مافیای غربگرا!! دولتی که نگاهش به غرب است اصلاً توانایی دیگر کشورها را نمی‌بیند. در حوزه هواپیما هم هلند، برزیل و ایتالیا حرف‌های زیادی برای گفتن دارند اما دولت به دنبال آنها نمی‌رود و به دنبال هواپیماهای بزرگی است که به درد سفرهای داخلی هم نمی‌خورد. از سوی دیگر نباید فراموش کنیم که هیچ وقت امریکا ایران را جایگزین شرکت‌کش‌هایش در امارات نمی‌کند. در امارات هم شرکت‌های امریکایی هستند، هم



د

برای دولت آینده باید دید نگاه دولت به قشر جوان و نوجوان است یا پیرمردها. در این دولت پیرمردها به شدت حاکم بودند و برخی افراد ۲۰ مسئولیت داشتند انگار فقط‌الرجال رخ داده است. در حالی که نسل جوان به دنبال هویتش می‌گردد و این می‌تواند به رویارویی دولت با نسل جوان بینجامد و ما این را در پرخاشگری‌های نسل جوان در دانشگاه‌ها می‌توانیم ببینیم و این قصه جدی است

برندهایش و هم کالا‌هایش. بدبیهی است با چنین ساختاری که در امارات وجود دارد امریکا به ما هواپیما نمی‌دهد زیرا ساختار اقتصادی‌اش را در منطقه به هم می‌زنیم. در حال حاضر متحدان

منطقه‌ای امریکا برای بازار جهانی‌اش ترکیه، قطر و امارات است. اقتصاد سیاسی این دولت بسیار ضعیف بود و به معادله قدرت در اقتصاد هیچ اثراتی نداشت و تصور می‌کرد با چند قرارداد و مذاکره همه چیز حل است و در نهایت هم همه چیز به هم ریخت و هیچ کدام از این مذاکرات به نتیجه نرسید. ما برای پروازهای خارجی با کشورهای اطرافمان هم به شدت به هواپیماهای کوچک نیاز داریم چون فواصل کوتاهی است و رفتن دولت به دنبال هواپیماهای بزرگی مانند بوئینگ که برای سفرهای خارجی با فواصل بلند است، نشان می‌دهد اقتصاد سیاسی دولت یازدهم به شدت ضعیف بود و به همین خاطر هم در دست خورد و تازه فهمید قدرت چقدر در اجرای قرارداد و ما و نتایج مذاکرات مهم است.